



در این سرفصل همچنین می خوانید:

۴۸ مجازات اعراب خلیج فارس

۴۹ نبرد اژدرها در خلیج فارس

۵۰ تنگه هرمز، تندیس احترام

۵۰ گنج طلای سیاه

تهدیدهای فراوری مخزن انرژی جهان

## خلیج آرام، جهان نگران

گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس، به شدت بر صنعت نفت و گاز اثر گذاشته است.

زمانی که باراک اوباما، رسماً به عنوان رییس جمهور آمریکا پای به کاخ سفید می گذارد، بدون شک اولویت هایی را در دستور کار خود خواهد داشت؛ مسایلی همچون مقابله با بحران مالی، حفظ جایگاه آمریکا در جهان، کاهش تدریجی نیروها در عراق، مبارزه با القاعده، جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه، مهار قدرت نظامی چین، ترمیم وجهه آمریکا در جهان، حل پرونده هسته ای ایران، برقراری ثبات در خاورمیانه و بسیاری از مسایل دیگر. اما حقیقت مهمی در پس تمام این اولویت ها پنهان است: اوباما و همراهان، تنها زمانی می توانند با خیالی راحت، اهداف و برنامه هایشان را به پیش ببرند که در نقطه ای از جهان به نام خلیج فارس، ثبات همچنان برقرار باشد.

خلیج فارس هرچند در شرایط فعلی، به سبب نقش و جایگاهی که ایران در تأمین امنیت آن دارد، از ثبات و امنیت خوبی برخوردار است، ولی به خاطر حضور نیروهای فرامنطقه ای در آن، ترویج مسابقه تسلیحاتی در این منطقه در طی ۸ سال ریاست جمهوری بوش و احتمال بروز یک تنش نظامی بین ایران و آمریکا - به دلیل فعالیت های صلح آمیز هسته ای کشورمان - در شرایطی قرار گرفته که یک اقدام تحریک آمیز یا یک اشتباه کوچک محاسباتی، می تواند در همان ابتدای کار، اوباما را با چالش بسیار بزرگی مواجه نموده و تمامی معادلات او و سایر کشورهایی را که امنیت یا رشد اقتصادی آنها، مستقیم یا غیرمستقیم با حفظ ثبات در خلیج فارس مرتبط است، بر هم بزند. این موضوع، از آن

پرهیز کنند، ولی وقوع دو تنش مهم بین نیروی دریایی سپاه ایران و آمریکا در خلیج فارس طی آخرین سال ریاست جمهوری بوش، تهدید ایران به بستن تنگه هرمز در صورت به خطر افتادن منافع خود، اختلافات داخلی کشورهای منطقه و وجود پایگاه های نظامی آمریکا در این کشورها، ظرفیت بالقوه منطقه را برای درگیری نظامی افزایش داده و باعث شده است تا آینده خلیج فارس، با احتمالات مختلف و زیادی روبه رو شود.

با چنین اوصافی و با توجه به نقش راهبردی که خلیج فارس در صنعت نفت جهان ایفا می کند، باراک اوباما به عنوان چهل و چهارمین رییس جمهور آمریکا، اگر می خواهد شروع خوبی داشته باشد تا بتواند به وعده های انتخاباتی خود - مخصوصاً در حوزه هایی نظیر اقتصاد و انرژی - عمل نماید، باید به دقت مراقب سیاست هایی باشد که برای ادامه حضور آمریکا در منطقه تدوین می نماید. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که وقوع هرگونه تنش در خلیج فارس، محدود به دو طرف باقی نخواهد ماند و تأثیرات منفی آن به سرعت گریبانگیر اقتصاد جهانی و سراسر بازار جهانی انرژی خواهد شد.

از آنجا که دولت بوش در حال حاضر، نه تنها به ائتلاف با دیگر قدرت ها در خلیج فارس نمی اندیشد و تنها در صدد جلوگیری از قدرت گیری اقتصادی یا سیاسی آنها در این منطقه است، ادامه یافتن چنین روندی در دولت جدید آمریکا، می تواند سبب توسعه بحران در خلیج فارس و آسیب پذیرتر شدن صنعت نفت جهان شود؛ آن هم در شرایطی که نیاز جهان به انرژی، روز به روز افزایش می یابد. چنین شرایطی، هرچند چالش هایی را پیش روی اوباما قرار داده، ولی در عین حال فرصت های جدیدی را نیز از خود بر جای گذاشته است که اگر از آنها درست استفاده شود، نه تنها منجر به تحقق امنیت، ثبات، دموکراسی و توسعه در منطقه می شود، بلکه اوضاع در خلیج فارس نیز به سوی ثبات بیشتر پیش خواهد رفت. ■

جهت حایز اهمیت است که به واسطه مانورهای نظامی تحریک آمیز آمریکا و انگلیس در خلیج فارس و در پی آن، اقدامات متقابل مشروع ایران، نه تنها تردید سرمایه گذاران در خصوص سرمایه گذاری بر روی صنعت نفت و گاز این منطقه افزایش یافته، بلکه بالا رفتن ریسک سرمایه گذاری در این صنعت و رکورد بی سابقه بهای نفت در جهان، سبب شده که اهمیت حفظ ثبات در این منطقه چند برابر شود. در واقع، خلیج فارس به عنوان محل قرار گرفتن ۶۵ تا ۷۵ درصد از ذخایر اثبات شده نفت خام جهان و همچنین ۳۵ تا ۵۰ درصد از ذخایر گازی دنیا و صدور ۲۰ درصد انرژی مورد نیاز جهان از طریق تنگه هرمز که در آن واقع شده، سرنوشت پرونده امنیت انرژی و قیمت نفت را در بازار جهانی به خود گره زده است. با توجه به چنین اهمیت غیرقابل انکاری، توسعه بحران در خلیج فارس، نه تنها هیچ نفعی در پی ندارد، بلکه عوارض بسیار بدی برای اقتصاد و امنیت منطقه ای و فرامنطقه ای در پی خواهد داشت.

### منافع متقابل

در چنین شرایطی، ایران به عنوان قدرت اول منطقه و یکی از صادرکنندگان اصلی انرژی در آن، با ۲ هزار و ۴۰۰ کیلومتر خط ساحلی در خلیج فارس و آمریکا به عنوان یک قدرت فرامنطقه ای که منافع بسیار کلانی در این منطقه دارد، تأثیرات بسزایی را در روند شکل گیری آینده خلیج فارس عهده دار هستند. هرچند منافع هر دو طرف ایجاب می کند که از هر برخورد تحریک کننده ای